



ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان
ریاست محکمه استیناف ولایت دایکندی
ریاست محکمه ابتدائیه شهری
ریاست دیوان جزاء عمومی
فارمت نشر احکام قطعی محاکم ابتدائیه در قضایای جزائی
شماره (۶)

شهرت قضات			
اسم			
تخلص			
وظیفه			

شهرت طرفین قضیه و نوع واقعه			
شهرت خرنوال	نوع واقعه	لت و کوبی	
شهرت محکوم	محل واقعه	قریه سرقل ککرک ولسوالی میر امور	
وظیفه محکوم	تاریخ واقعه	۱۳۹۹/۲/۱۳	
شهرت وکیل	سبب تحریک دعوی	عریضه رسمی	
شهرت متضرر	رابطه محکوم با متضرر	بدون قرابت	

<p>خارنوال در صورت دعوی خود مدعی گردیده: مسمات (س ن) بنت (ض ع) در عریضه و اظهارات خویش بیان داشته که من: دنبال مواشی بودم و مواشی خود را در صحرا چراندن برده بودم نزدیک ساعت های ۳:۳۰ الی ۳:۴۰ دقیقه بود (م د) آمد برایم گفت بین مالهای شما کدام مال بیگانه است یا خیر؟ من گفتم نیست وی برایم گفت مالهای خود را جمع کو من سعی کنم بعد من مالهای خود را جمع نمودم (م د) آمد از دستم گرفت بعد (م ص) همراهی (م ب) آمد و (م د) من را تحویل (م ب) و (م ص) نمودن و من را (م ص) محکم گرفت و (م ب) من را با چوب مورد لت و کوب قرار داد و (م ص) و (م د) من را مورد لت و کوب قرار نداده است.</p> <p>مسمات (م ب) بنت (د ر) در عریضه و اظهارات خویش بیان نموده که: داکتر (سی ی) در منبر ما آمده بود و من از خانه داکتر رفته بودم و (س ن) دنبال مواشی بود مالهای خود را آورده پیش منبر بالای علف کوه ما رها نموده و خود (س ن) در داخل منبر بود و من برای وی گفتم چرا مواشی خود را بالای علف کوه رها نموده بیرون کوه (س ن) نامه من را با سنگ به سرم زد بعد بین مایان جنجال شد و من با تال به پای (س ن) زدم تنها بین من و (س ن) نامه جنجال شدند و از خانواده های ما کدام کس دیگر در جنگ نبوده و دخالت نداشته.</p>	<p>خلاصه جریان واقعه:</p>
<p>۱- نظریه اهل خبره مبنی بر موجودیت آثار لت و کوبی در بدن طرفین ورق (۴و۵) دوسیه. ۲- مسمات (س ن) بنت (ض ع) متخلف قضیه بیان داشته که من (م ب) را مورد لت و کوب قرار داده است ورق (۴۳) دوسیه ۳- مسمات (م ب) نامه تحریر داشته که تنها بین من و (س ن) نامه جنجال صورت گرفت و من با تال به پای (س ن) نامه زدم وی با سنگ به سرم زد ورق (۵۱) دوسیه . آنچه از لابلای اوراق گرد آوری شده و تحقیقات بر می آید متخلفین قضیه (م ب) و (س ن) در قضیه لت و کوب همدیگر کسب الزامیت نموده و مطابق هدایت ماده (۱۱۲) کود جزا با در نظر داشت ماده (۹۷) و (۹۸) کود مذکور قابل مجازات می باشد بناءً از هئیت قضائی مطالبه دارم مطابق مواد فوق مذکوران را مورد مجازات قرار دهند. اصل دعوی ضم اوراق دوسیه می باشد.</p>	<p>خلاصه دلایل و مطالبه خرنوال</p>
<p>۱- نظریه اظهارات موکله ام (س ن) وی به اثر تحریک غیر حق طرف مقابل وادار گردیده است که (م ب) نامه را با سنگ دست داشته اش بزند که این رویه طرف مقابل به تحریک احساسات موکلم منجر گردیده و در نهایت بین طرفین که آغاز گر جنگ (م ب) نامه بوده است در خصوص موکله ام (س ن) نامه از احوال مخففه قضائی محسوب میگردد. ۲- موکله ام (س ن) نامه سابقه تخلف نداشته و اولین بار است که به اثر تحریک غیر حق طرف مقابل مرتکب تخلف گردیده است و هیچگونه انگیزه و ترصد قبلی در ارتباط به جنگ و لت و کوبی طرف مقابل نداشته و بصورت آنی در درگیری دخیل ساخته شده است. ۳- گرچند نظر به اوراق دوسیه، در خصوص (م ص) نامه دوسیه حفظ گردیده است اما نظر به اظهارات موکلم وی در تسهیل لت و کوبی وی توسط (م ب) نامه نقش داشته است زیرا وی موکله ام را محکم گرفته و (م ب) نامه لت و کوب کرده است و از طرف دیگر نظر به سن و حالت ظاهری بین موکله ام (س ن) نامه و (م ب)، نامه از حالت جسمی قوی تر بر خوردار بوده و از ضعف جسمی موکله ام سوء استفاده نموده است. ۴- طرفین قضیه از ادعا علیه همدیگر طی عریضه عنوانی خرنوالی استیناف ولایت دایکندی انصراف داده است که از حالات احوال مخففه در خصوص آنها تلقی میگردد. ۵- نظر به اوراق دوسیه و نظریه اهل خبره و صورت دعوی خرنوال اتهام وارده قباحه بوده، محل نظم عامه نبوده و ضرر وارده اندک میباشد بناءً ایجاب می نماید از رفت قضایی در مورد موکله ام کار گرفته شود. ۶- موکله ام از ارتکاب تخلف نهایت نادم و پشیمان میباشد. ۷- موکله ام طفل بوده و مطابق ماده (۱۰۸) کود جزاء مستحق رفت قضائی میباشد.</p> <p>تقاضا از پیشگاه محکمه: از مقام محترم رئیس صاحب و اعضای محترم قضائی شان تقاضا مینمایم با در نظر داشت جریان واقعی قضیه، احوال و اوضاع موکلم حکم خویش را مطابق مواد (۲۱۲ و ۲۱۳) کود جزا به</p>	<p>خلاصه دفع متهم و یا وکیل مدافع</p>

	<p>رافت قضای در مورد وی اصداد فرماید تا عدالت به نحو احسن ان تامین گردد.</p>
<p>خلاصه استدلال هئیت قضائی</p>	<p>۱- نظریه ملاحظه اوراق دوسیه موکله ام برای اولین بار مرتکب تخلف گردیده و قبل از این کدام سابقه جرمی نداشته ودر اظهارات اولیه و در تمامی مراحل تحقیق حقیقت قضیه را بیان داشته و اکنون از عمل خود نهایت پشیمان می باشد کدام انگیزه تخلف در حالات روحی وی دیده نمی شود که هر کدام از این موارد طبق اجزای (۷و۸) بند (۲) ماده (۲۱۳) کود جزا از جمله حالات احوال مخففه مسئولیت جزائی می باشد.</p> <p>۲- طوریکه قضات نیک می دانند موکله ام متعلم می باشد و در صورتیکه حالات رافت برای وی در نظر گرفته نشود علاوه بر آنکه خرج مصارف وی بالای دولت تحمیل می گردد و از درس و مکتب خود باز می ماند که این مورد نیز طبق جز (۱۲) بند (۲) ماده (۲۱۳) کود جزا از جمله مصداق احوال مخففه می باشد . بناءً از هئیت قضائی میخوایم در مورد(م ب) احوال مخففه مسئولیت جزایی مصداق داشته و نیز شرایط مندرج ماده (۲۲۳) قابلیت تطبیق را دارد. ورافت قضائی را شامل حال موکله ام نماید. اصل دفاعیه ضم اوراق دوسیه میباشد..</p> <p>ارزیابی و استدلال محکمه:</p> <p>۱- خارنوال موظف مطابق هدایت ماده (۱۱۲) کود جزا علیه متخلفین جزا خواهی نموده است اما ازینکه مجنی علیهای قضیه لت و کوب زن بوده و در مورد ماده (۲۳) قانون منع خشونت علیه زن مصداق دارد نه ماده مورد استناد خارنوال در صورت دعوی.</p> <p>۲- متخلفین قضیه به جرم ارتكابی شان معترف بوده و نیز در مورد مشاهدات مبنی بر آثار لت و کوب در اوراق (۳ و ۴) دوسیه به ملاحظه می رسد.</p> <p>۳- متخلفین همدیگر را بخشیده و طی عریضه مطبوع مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۵ خویش عنوانی ریاست محترم خارنوالی استیناف ولایت دایکندی خواستار حفظ دوسیه شان گردیده است که در مورد ورق (۵۹) دوسیه ملاحظه گردد.</p>
<p>نص حکم</p>	<p>ماهئیت قضائی ریاست دیوان جزای عمومی محکمه ابتدائیه شهری ولایت دایکندی در جلسه قضائی مورخ ۱۳۹۹/۳/۲۹ با حضور داشت خارنوال موظف، مساعدین حقوقی و متخلفین قضیه لت و کوب هریک به اتفاق آراء مطابق هدایت ماده (۲۳) منع خشونت علیه زن با در نظر داشت ماده (۹۷)(۹۸) و ماده (۱۰۹) کود جزاء را به مدت (۲۵) یوم به مدت یکماه حجز در منزل محکوم به حجز نمودیم.</p>
<p>سبب قطعیت حکم ابتدائیه</p>	<p>به اساس گزارش از خارنوالی اطفال از مرحله ابتدائیه قطعی و نهائی گردیده است.</p>